



در تدارک همه‌جانبه براندازی صدام حسین!

محمود صالحی

در صفحه ۱۲

دستگاه تواب‌سازی محکوم است

عباس عبدی از رهبران جنبه مشارکت، پس از حدود ۵۰ روز زندان انفرادی، در محاکمه پرونده موسوم به نظرسنجی، متنی را قرائت کرد که در آن آمده است اقدام به نظرسنجی از سوی موسسه تحت مسئولیت عبدی و سایر مستهمن، «فراندموم



عکس از تجمن دانشجویان دانشگاه علم و صنعت ایران

نگاهی به حرکات و اعتراضات دانشجویی

در صفحه ۳

دستگیری علیرضا جباری عضو کانون نویسندگان ایران

خواسته‌اند. دختر جباری حدس می‌زند که دستگیری پدرش مربوط به مصاحبه او با مجله شهروند در رابطه با یکی از دوستانش و زندان او می‌باشد. همسر علیرضا جباری اعلام کرد که تا روشن شدن وضعیت همسرش به تحصن در مقابل پلیس ۱۱۰ اقدام خواهد کرد.

نشده است. دختر جباری اعلام کرد که خاندهاش توسط افراد ناشناسی که پدرش را همراهی می‌کردند مورد بازرسی کامل قرار گرفت. او فقط یک بار به خانه تلفن کرده و نتوانسته صحبت کند زیرا بلافاصله ماموری گوشی را گرفته و حرف رمسز کامپیوتر پدرش را

در تاریخ ۷ دی علیرضا جباری یکی از اعضای کانون نویسندگان از سوی افراد ناشناس بازداشت شد. جواد مجابی عضو کانون گفت که این سومین عضو کانون است که طی این روزها بازداشت می‌شود. هیچ نهادی حاضر به پذیرش مسئولیت بازداشت وی

شورای عالی انقلاب فرهنگی

سانسور در اینترنت را قانونی کرد

انقلاب فرهنگی «صیانت فرهنگ ملی و اسلامی» را حفظ نماید. مسئولیت کمیته پد وزارت اطلاعات بر وزارت اطلاعات است. علاوه بر وزارت اطلاعات نمایندگان از وزارت ارشاد و صدا و سیما جمهوری اسلامی در این کمیته عضویت دارند. مقابله اجرایی با سایت‌های خبری پس از معرفی و شناسایی به وزارت پست و تلگراف محول شده است.

شورای عالی انقلاب فرهنگی با ایجاد کمیته‌ای از ۳ وزارتخانه، به سانسور اینترنتی دست می‌زند. در آخرین نشست شورا به ریاست هاشمی شاهرودی، نایب رئیس این شورا، تصویب و ایجاد کمیته‌ای برای شناسایی پایگاه‌های (سایت‌های) خبری غیر مجاز اعلام شد. کمیته وظیفه‌دار با تنوع موجود در سایت‌های خبری مقابله کند و بر حسب مصوبات شورای عالی

به دنبال سفر هیاتی از اتحادیه اروپا

طرح قانون سنگسار زنان متوقف شد

اروپا با ایران را منوط به بهبود وضعیت زنان و وضعیت حقوق بشر در ایران دانست. پس از ابلاغ عدم اجرای حکم سنگسار از سوی رئیس قوه قضاییه به قضات حقوق بشر از آیت‌الله‌ها اعلام کردند که در شرایطی در اسلام امکان تغییر بهبود روابط اقتصادی و سیاسی

پس از مسافرت هییتی از اروپا به ایران، رئیس قوه قضاییه به قضات سراسر کشور اعلام کرد که مجازات سنگسار را متوقف کنند. این هیئت که از سوی اتحادیه اروپا در باره وضعیت حقوق بشر با مقامات حکومتی مذاکره کرد، بهبود روابط اقتصادی و سیاسی

اعلامیه هیات سیاسی - اجرایی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

اغتشاش آفرینی حکومت فقها و ایذا هموطنان عرب

در شهر اهواز را محکوم می‌کنیم

خواهان آزادی فوری و بی‌قید و شرط دستگیرشدگان هستیم

در روزهای اخیر در اثر حمله ۹۲ تیم عملیاتی نیروهای انتظامی، در هسکاری با بسیج، دادگستری و ستاد امر به معروف و نهی از منکر استان خوزستان، به عده‌ای از مردم و فروشندگان سی - دی و نوارهای موسیقی عربی در محله دایره اهواز، که ساکنان آن اکثر هموطنان عرب هستند، فضای ملتهب و ناآرامی در این شهر حاکم شده است. در جریان عملیات مذکور، که به بیان اجرایی طرح ویژه مبارزه با مفاسد اجتماعی انجام گرفت، مهاجمان به مردم و کسبه به ضرب و شتم آنان و حتی کودکان اقدام کرده، آسیب بسیاری به فروشگاه‌ها رسانده و شماری از فروشندگان را دستگیر کردند. پس از آن نیز نیروهای انتظامی و پلیس ضد شورش اعتراض بحق گروهی از هموطنان عرب به این حمله وحشیانه را با خشونت بسیار پاسخ گفته و شمار زیادی از آنان را دستگیر و روانه زندان می‌کنند.

این وحشیگری حکومت فقها علیه اقلیت‌های ملی اولین مورد از این دست نیست. همین چندی پیش نیز تعداد زیادی از فعالان ملی آذری تنها بخاطر بزرگداشت ۲۱ آذر دستگیر و روانه زندان شدند و هنوز خبری از وضع تعدادی از آنان در دست نیست.

ایجاد تقارن بین ملیت‌های ساکن ایران، استقرار فضای سنگین سیاسی از طریق ایجاد رعب و وحشت در میان اقلیت‌های ملی غیر فارس، تحقیر آنان، سرکوب مطالبات و ایجاد موانع متعدد در برابر گسترش فرهنگ و زبان مادری آنها روش متداول در حاکمیت اسلامی بوده است. اکنون حکومت فقها این روش را برای ایجاد تشنج و تمهیدی برای بقای بیشتر خود بکار گرفته است. سکوت دولت و اصلاح‌طلبان حکومتی در برابر چنین تمهیدات جنایتکارانه‌ای تنها به موافقت آنان در سرکوب اقلیت‌های ملی تلقی خواهد شد.

هیات سیاسی - اجرایی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) این اقدامات علیه اقلیت‌های ملی را قاطعانه محکوم می‌کند و همه مردم ایران را به همبستگی برای مقابله با سرکوبگری نیروهای ضدملی فرا می‌خواند.

ما خواهان آزادی فوری و بی‌قید و شرط دستگیرشدگان و جبران خسارات وارده به مردم و کسبه و تعقیب عاملان این رویدادها هستیم. ما نیروهای دادخواه و دمکرات کشورمان را به اعتراض علیه این دمدشپها فرا می‌خوانیم.

هیات سیاسی - اجرایی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ۵دی ۱۳۸۰ - ۲۶ دسامبر ۲۰۰۲

تشدید فشارهای سیاسی و اجتماعی

گفته می‌شود یکی از اتهامات او زرتشتی بودن او می‌باشد. - مجمع عمومی کانون نویسندگان که قرار بود در روز جمعه ۲۲ آذر ساعت ۳ بعد از ظهر در محل اتحادیه و شرکت تعاونی ناشران و کتابفروشان تهران برگزار شود به علت عدم دریافت مجوز تشکیل نشد. محمد قاند عضو کانون در مورد برگزار نشدن این نشست سالانه گفت: وزارت اطلاعات با صدور ادامه در صفحه ۲

ارگان‌های سرکوب جمهوری اسلامی در عرصه‌های مختلف را در زیر می‌خوانید: - ۲۰ آذر ۸۱ حبیب‌الله تنهاییان به جرم همکاری با حزب دمکرات کردستان دستگیر و ۴ روز بعد جنازه شکنجه شده‌اش به خانواده‌اش تحویل داده می‌شود. - ۲۱ آذر ماه ۸۱ محمد رستم‌زاده استاد دانشگاه و نقاش کرد پس از بازگشت به بوکان توسط مامورین اداره اطلاعات بوکان احضار و دستگیر می‌شود.

طی چند هفته گذشته مجموعه فشارهای سیاسی در عرصه‌های مختلف افزایش یافت. موارد دستگیری فعالین سیاسی، مطبوعاتی و فرهنگی و میزان توقیف نشریات و موارد تهدید نویسندگان به طور محسوسی افزایش نشان می‌دهد. تنها گوشه‌ای از این اقدامات در رسانه‌ها بازتاب داشته و با علنی شده‌اند. یک مورد اعدام یک زندانی سیاسی نیز از جمله اخبار منتشره بوده است. نمونه‌هایی از اقدامات

کودتا؟ برای چه؟

از هنگامی که خاتمی رئیس جمهور شده است، هر از چندی اصلاح‌طلبان یا برخی از نیروهای اپوزیسیون نسبت به احتمال وقوع «کودتا» هشدار می‌دهند. برخی از نیروهای اقتدارگرا نیز با اظهارات خود به نگرانی‌ها از اینکه ممکن است بخش افراطی نیروهای فقهاتی حاکم، بخواهند کار را یکسره و حکومت را به سود محافظه کاران و اقتدارگرایان، یکدست کنند، دامن می‌زنند و به نظر می‌رسد در انتشار چنین اظهاراتی، تعمدی در کار است. آخرین نمونه‌های چنین گفته‌هایی، سخنان حجت‌الاسلام فاکر در مقایسه شرایط کنونی با شرایط سال ۶۰ و نیز دزدان گردانندگان روزنامه کیهان از ضرورت «پالایش» فضای سیاسی کشور از نیروهایی مانند جنبه مشارکت و مجاهدین انقلاب اسلامی است. این گفته‌ها باعث شده است که بار دیگر هشداردهندگان در مورد خطر کودتا یا اقدامات شبه کودتایی، فعال شوند.

آیا این خطرات جدی است و ممکن است شبی مردم ایران بخواهند و هنگام بیداری در صبح روز بعد، بشنوند که رئیس جمهور برکنار، مجلس منحل و صدها تن از اصلاح‌طلبان در یک حرکت دستگیر شده‌اند؟ برای آنکه بدین پرسش پاسخ دهیم و دریابیم احتمال وقوع کودتا از سوی نیروهای محافظه کار و اقتدارگرا تا چه حد جدی است، باید آنچه را این نیروها با چنین کودتایی به دست می‌آورند و آنچه را از دست می‌دهند با آنچه امروز دارند و ندارند مقایسه کنیم. تهدیدکنندگان به «تصفیه» و «پالایش»، بر خلاف تصور اولیه‌ای که ممکن است با مشاهده حرکات آنان ایجاد شود، بسیار حساب‌شده عمل می‌کنند و همه اقدامات آنان از یک مرکز واحد هدایت می‌شود. اگر از سوی این نیروها کودتا یا اقدامی شبه کودتایی صورت گیرد، دقیقاً بر اساس ارزیابی حساب‌شده از اوضاع و با آگاهی کامل است. تصور نیروهای «کنترل‌نشده‌ای» که بر اساس «عسوق مذهبی» و «احساسات» عمل می‌کنند، در مورد اقتدارگرایان امروز در ایران خطاست. آنها در استراتژی و تاکتیک خود از احساسات و اندیشه‌های عقب‌مانده بخشی از جامعه بهره می‌گیرند، اما خود با بهره‌گیری از دو دهه تجربه حکومتی، به خوبی می‌دانند که چه می‌خواهند و چگونه باید بدان دست یابند. از این رو کاربست مدل عقلایی در ارزیابی حرکات آنان، انگیزه حرکت اقتدارگرایان را قبل از هر چیز، شرم و غریزه بقاست که تشکیل می‌دهد.

آنچه اقتدارگرایان در یک اقدام کودتایی ممکن است به دست آورند اگر چنین اقدامی علیرغم همه ریسک‌های غیرقابل پیش‌بینی آن موفق شود قبل از هر چیز رهاشدن گریبانشان از نیرویی در حکومت است که بر خلاف رویه قبل از دوم خرداد ۷۶، هر از گاهی نوری بر برخی زوایای تاریخ در حکومت جمهوری اسلامی می‌افکند. البته این نور از هنگامی که امثال اکبر کنجی و عمادالدین باقی به زندان افتاده‌اند و ده‌ها نشریه تعطیل شده‌اند، بسیار کم‌سوتر شده است، اما منکر تاثیر ایدایی آن بر حکمرانی اقتدارگرایان نمی‌تواند شد. به نظر نمی‌رسد در صورت وقوع کودتا نیز محافظه کاران بتوانند یا ادامه در صفحه ۲

آتش سوزی در زندان گرگان ۲۷ کشته برجای گذاشت

بنا به خبری که در یکی از روزنامه‌ها درج شده بود، ۸۰ درصد زندانیان سیاسی بوده‌اند. پس از درج خبر آتش‌سوزی، اطلاع‌رسانی بیشتر حول این امر عملاً به فراموشی سپرده شد و مسئولین مرگ ۲۷ انسان معرفی نشدند.

سیم‌های برقی روی داده است. مدیرکل زندان‌های استان گلستان عباسعلی عرب ضمن تایید خبر از دادن هرگونه اطلاع بیشتری خودداری کرد. و آن را به گودرزی، قاضی این پرونده محمول کرد. وی نیز دادن اطلاعات را به آینده موکول کرد.

در آتش‌سوزی که در روز نهم دی ماه در زندان گرگان به وقوع پیوست، ۲۷ تن کشته و بیش از ۵۰ تن زخمی شدند. این حادثه در ساعت ۳ و ۲۰ دقیقه بامداد در زندان گرگان روی داد. مقامات اعلام کرده‌اند که این آتش‌سوزی بر اثر اتصال

جشن سی و دومین سالگرد بنیانگذاری

جنبش فدائیان خلق ایران



گفتگوی سیاسی

برنامه‌های متنوع هنری

مکان: آلمان - بن Beuel-Brücken Forum Friedrich-Breuer Str:17

زمان: شنبه ۱ مارس ۲۰۰۳ گفتگوی سیاسی از ساعت ۱۶ شروع دیگر برنامه‌ها از ساعت ۱۹

در این شماره

بیرامون مقاله «دوسایست و دوکتمان در برابر هم»

به زعم نویسنده مقاله:

فعالیت مشترک در سازمان سیاسی آری! در تشکل فراگیر نه!

بهروز خلیق

در صفحه ۷

«بلدا» پاس و سیاسی امید در جان و جهان ایرانی

خسرو یاقریور

در صفحه ۶

چه باید کرد؟

نجات ما در اتحاد ماست

کیانوش توکلی

در صفحه ۸

صندوق بین‌المللی پول

به وجود عدم تعادل‌های تحمل‌ناپذیر جهانی اعتراف می‌کند

بهوش ب. کنوان

در صفحه ۱۲



فصل چهارم - قوه مقننه

قوه مقننه در نظام سیاسی آینده ایران نیز با اتکا به سنت انقلاب مشروطه، از مجلس شورای ملی تشکیل می‌شود. در برخی از کشورها در کنار مجلسی که ترکیب نمایندگان آن، بازتاب توزیع جمعیت در سراسر کشور است، در پارلمان مجلس دوم نیز هست که معمولاً نهاد نمایندگی مناطق (ایلات) است. به عنوان نمونه، در آمریکا در کنار مجلس نمایندگان، سنا نیز وجود دارد که در آن هر ایالت صرفنظر از جمعیت آن، دو نماینده دارد. در آلمان نیز پارلمان از بوندس‌تاگ، که نمایندگان آن مستقیماً از سوی همه مردم برگزیده می‌شوند، و بوندس‌رات، که مجمع نمایندگان دولت‌های ایالتی است، تشکیل می‌شود. آن دسته از قوانین فدرال که بر حوزه اختیارات ایالات تأثیر می‌گذارند یا بدان مربوط می‌شوند، علاوه بر بوندس‌تاگ باید از تصویب بوندس‌رات نیز بگذرند. بدین ترتیب، فدرالیسم در اغلب کشورهای که دارای نظام سیاسی فدرالند، نه تنها به معنای واگذاری امور محلی به نهادهای غیرمتمرکز قدرت، بلکه علاوه بر آن به معنی حق رای ایالات در تصمیم‌گیری‌های مربوط به کل کشور نیز هست. از طریق سهیم کردن ایالات در اداره امور سراسری، گرایش‌های واگرایانه و تجزیه‌طلبانه خنثی می‌شود.

در کشور ما نه تجربه و سنت فدرالیسم وجود دارد و نه سنت تقسیم قوه مقننه به مجلس نمایندگان سراسر کشور و نهاد نمایندگی مناطق. آنچه به عنوان مجلس سنا در یک متمم قانون اساسی تصویب شده در زمان سلطنت محمدرضا شاه گنجانده شد، ربطی به جایگاه و کارکرد مجلس دوم در کشورهایی مانند آمریکا و آلمان نداشت. به ویژه در اواخر دوره سلطنت، مجلس سنا پیش از مجلس شورای ملی حکم کلوب باننشستگی را داشت که در تقسیم پست‌های دولتی، اضافه می‌ماندند و با ستاورشدن، حداقل حقوق و مزایا و مقامی تشریفاتی که اجازه شرفیاب شدن آنها در مراسم مختلف را بدهد، برایشان محفوظ می‌ماند. چنین مجلسی به کار توسعه و تحکیم دموکراسی نمی‌خورد. تاریخ حدود سی سال آخر سلطنت در ایران، تصویر مطلوبی از مجلس سنا در اذهان مردم ما باقی نگذاشت و از این رس، هنگامی که در نظام پس از انقلاب، این مجلس حذف شد، هیچ‌کس اعتراض و انتقاد نکرد. تا آنجا که به فدرالیسم مربوط می‌شود، به نظر نگارنده و با توجه به تاریخ شکل‌گیری نظام فدرال، یک قانون‌توسعه‌گر غیر قابل‌انکار، باید مورد توجه قرار گیرد. نظام فدرال، نظامی است که از اتحاد (فدراسیون) چند دولت تشکیل می‌شود. اول، اجزای این نظامند که ایجاد می‌شوند و سپس، این اجزا با هم اتحاد می‌کنند و فدراسیون یا همان دولت فدرال را تشکیل می‌دهند. در آمریکا هم چنین بود. سالها پیش از تشکیل ایالات متحده آمریکا، ساکنان چند مستعمره بریتانیا در آمریکای شمالی، دولت‌های محلی خود را تشکیل داده بودند. این دولتها، که اکنون بخشی از ایالات پنجاه‌گانه آمریکا را تشکیل می‌دهند، در اواخر قرن هجدهم میلادی نخست در انقلاب و جنگ استقلال علیه بریتانیا متحد شدند و سپس از دل این اتحاد، دولت جمهوری فدرال بیرون آمد.

سرزمین کنونی آلمان نیز در قرن‌های گذشته، به قلمرو پادشاهی‌های مستقلی مانند پروسیا، باواریا، ساکسونی و غیره تقسیم می‌شد. در مقطعی از تاریخ آلمان، به ویژه هنگام مقابله با دشمنان و رقبای خارجی، یکی از پادشاهان که معمولاً پادشاه پروسیا بود، به عنوان امپراتور یا قیصر برگزیده می‌شد و عالی‌ترین مقام رایش (امپراتوری) را بر عهده می‌گرفت. در طول تاریخ آلمان، حکومت‌های محلی بیشتر دوام داشته‌اند تا امپراتوری‌ها. یکی از اهداف انقلاب دموکراتیک ۱۸۴۸ آلمان، غلبه بر نظام ملوک‌الطوایفی بود که به مانع اصلی رشد سرمایه‌داری تبدیل شده بود. نظام ملوک‌الطوایفی در نهایت در انقلاب نوامبر ۱۹۱۸ به تاریخ پیوست، اما سنت حکومت‌های محلی باقی ماند و در نتیجه، جمهوری وایمار و نیز جمهوری فدرال کنونی، از ایالات تشکیل شده‌اند. به عبارت دیگر، در آلمان نیز سنت حکومت‌های محلی، دیرپاتر از حکومت سراسری است.

اما تاریخ ایران متفاوت است. در ایران، سنت اتحاد حکومت‌های محلی برای تشکیل یک فدرالیت، وجود ندارد. اگر قرار باشد نظام سیاسی آینده ایران بر بنیای اصول فدرالیسم سازمان یابد، کشور ما باید تجربه جدیدی را از سر بگذراند، تجربه‌ای که به موجب آن، سپس دولت‌های خودمختار محلی ایجاد شوند و بسند اتحادی داوطلبانه در چارچوب کشوری واحد را تشکیل دهند. به نظر نگارنده، تجزیه کشوری که در تاریخ خود فاقد سنت اتحاد دولتهای

فصل سوم - تقسیم قدرت میان نهادهای متمرکز و غیرمتمرکز

سلسله گفتارهای در باره دموکراسی

سهراب مبشری

محلی است، به منظور اتحاد مجدد آنها، راهی نیست که اکثریت مردم ایران، حتی در مناطقی که از ستم ملی رنج می‌برند، خواهان آن باشند. از این رو ضروری است راه غلبه بر نابرابری و تبعیض ملی و تمرکزگرایی را در تقسیم قدرت میان دولت مرکزی و شوراهای محلی جستجو کرد، راهی که متضمن حفظ وحدت ملی و در عین حال، پاسخگویی به خواستهای ده‌ساله اقلیت‌های قومی برای اداره امور محلی و پایان دادن به تبعیض ملی باشد.

البته باب این بحث در میان نیروهای دموکرات و آزادیخواه ایرانی باید گشوده باشد. شاید لازم باشد قبل از یافتن نامی برای نظام سیاسی مبتنی بر تقسیم قدرت میان نهادهای متمرکز و غیرمتمرکز، در مورد محتوای این نظام توافق حاصل شود. برگزینی نامهایی مانند خودمختاری، خودگردانی یا فدرالیسم، امری است که می‌تواند به بعد از مباحث محتوایی در باره چگونگی تقسیم وظایف و اختیارات در نظام سیاسی آینده موکول شود. آنچه مسلم است، این است که تبعیض ملی در ایران، واقعه‌ای انکارناپذیر است و روند دموکراتیزاسیون در کشور ما بدون گام‌نهادن در راه حل این معضل، سترون و ناقص خواهد ماند. شاید لازم باشد همه نیروهای دموکرات، مواضع و نظرات خود در باره چگونگی غلبه بر ستم ملی را مانند آنچه در فصل سوم این گفتارها آمده است، اعلام کنند تا بحث ملی در این باره آغاز شود.

شکل دادن نهایی به قوه مقننه، تابع نتایج این بحث است. یک راه قابل تصور در مورد نحوه مشارکت نمایندگان شوراهای استانی در قانون‌گذاری سراسری، تشکیل مجمعی دائمی از این نمایندگان است که بر روند قانون‌گذاری پیرامون امور استی که بر اداره استانیها تأثیر می‌گذارد، شرکت می‌کنند. این مشارکت، بسته به نتایج بحث در باره نحوه خودگردانی استانی، می‌تواند از حد مشورت تا لزوم تصویب این گونه قوانین در مجمع نمایندگان استانیها را در بر گیرد. تذکر این نکته ضروری است که حتی در نظام‌های سیاسی بسیار متمرکز دموکراتیک نیز اتخاذ برخی تصمیمات، منوط به موافقت نمایندگان مناطق است.

تصمیم‌گیری در باره برخی امور مربوط به کل کشور را نمی‌توان به موافقت نمایندگان استانیها منوط کرد. از آن جمله است: سیاست خارجی، دفاع از مرزها و امنیت ملی (به معنای امنیت در قبال خطرات خارجی) امور مربوط به تابعیت امور مربوط به اجازه مسافرت، صدور گذرنامه، مهاجرت و تحویل مجرمان به کشورهای دیگر سیاست پولی و مالی سیاست بازرگانی بین‌المللی و گمرکی امور مربوط به زیرساخت ملی مانند راه‌های سراسری، حریم هوایی، مخابرات و پست امور مربوط به حق مالکیت معنوی و ثبت اختراعات همکاری سراسری نیروهای پلیس برای مقابله با جنایت (اداره آگاهی ملی) امور مربوط به حفظ نظام دموکراتیک در قبال خطرات ناشی از نیروهای مخالف دموکراسی و حقوق بشر اموری که به نظر من، نظر نمایندگان نهادهای غیرمتمرکز (نمایندگان شوراهای استانیها) باید در تصمیم‌گیری پیرامون آنها مورد توجه قرار گیرد خواه به صورت مشاوره، خواه به عنوان الزام به تصویب (از سوی این نمایندگان) عبارتند از:

قوانین مدنی و کیفری و آیین دادرسی ثبت احوال و ثبت اسناد قوانین مربوط به احزاب، جمعیتها و اجتماعات امور مربوط به اقامت اتباع بیگانه و پناهندگان قوانین مربوط به جواز اسلحه امور فرهنگی بیهوده‌های اجتماعی قوانین و مقررات اقتصادی و حقوق کار امور مربوط به کشاورزی، تغذیه و بهداشت امور مربوط به حمل و نقل نتیجه بحث ملی در باره تقسیم قدرت میان نهادهای مرکزی و محلی و به تبع آن، وجود یا عدم وجود مجلس دوم قانون‌گذاری، هر چه

باشد، قدر مسلم این است که مجلس شورای ملی، باید نهاد اصلی قانون‌گذاری و عالی‌ترین مرجع تصمیم‌گیری در باره همه قوانین باشد. در برخی از کشورها، اکثریت دو سوم نمایندگان پارلمان می‌تواند قانون اساسی را نیز تغییر دهند. در شماری از کشورها، برخی از اصول قانون اساسی غیرقابل تغییر است. طبق اصل یکصد و هفتاد و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، «محتوای اصول مربوط به اسلامی بودن نظام و ابستای کلیه قوانین و مقررات بر اساس موازین اسلامی و پایه‌های ایمانی و اهداف جمهوری اسلامی ایران و جمهوری بودن حکومت و ولایت امر و امامت امت و نیز اداره کشور با اتکاء به آراء عمومی و دین و مذهب رسمی ایران تغییرناپذیر است». بدین ترتیب، مثلاً می‌توان با تغییر قانون اساسی، حقوق بنیادین مردم را از این هم که هست محدودتر کرد، اما اصل ولایت فقیه، در چارچوب مکانیسم‌های پیش‌بینی شده بازنگری در قانون اساسی، قابل تجدید نظر نیست. لازم است تا به جای فرمولبندی فوق، در قانون اساسی آینده این جمله گنجانده شود: «اداره کشور با اتکا به آراء عمومی و ابستای نظام سیاسی و همه قوانین و مقررات بر اعلامیه جهانی حقوق بشر، تغییرناپذیر است».

به غیر از این اصول بنیادین، سایر اصول قانون اساسی باید قابل تغییر باشد تا نسل‌های آینده بتوانند مطابق ضروریات زمان و تغییر شرایط، نظام سیاسی را تکامل بخشند. بدین منظور از دیدگاه نگارنده، کسب دو سوم آرای نمایندگان مجلس شورای ملی و دو سوم آرای نمایندگان شوراهای استانیها، کفایت می‌کند، به شرط آنکه قوانین انتخابی به گونه‌ای باشد که حضور اقلیت در نهادهای قانون‌گذاری را به نسبت آرای آن تأمین کند.

در مورد نحوه انتخاب نمایندگان مجلس شورای ملی، اصل شصت و دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، «مذاکرات مجلس شورای اسلامی باید علنی باشد و گزارش کامل آن از طریق رادیو و روزنامه رسمی برای اطلاع عموم منتشر شود. در شرایط اضطراری، در صورتی که رعایت امنیت کشور ایجاب کند، به تقاضای رئیس جمهور یا یکی از وزراء یا ده نفر از نمایندگان، جلسه غیرعلنی تشکیل می‌شود. مصوبات جلسه غیرعلنی در صورتی معتبر است که با حضور شورای نگهبان به تصویب سه چهارم مجموع نمایندگان برسد. گزارش و مضوبات این جلسات باید پس از بر طرف شدن شرایط اضطراری برای اطلاع عموم منتشر شود».

فقدان علنیت و نامرحم‌دانستن مردم به بهانه «شرایط اضطراری»، همواره از مشخصات نظام‌های غیردموکراتیک است. تجربه ثابت کرده است معمولاً مذاکرات نشست‌های غیرعلنی حتی پس از سالها منتشر نمی‌شود. از این رو به نظر من باید اصل فوق بدین گونه تصحیح شود: «مذاکرات مجلس شورای ملی باید علنی باشد و گزارش کامل آن برای اطلاع عموم منتشر شود. در شرایط اضطراری، به تقاضای رئیس جمهور یا یکی از نمایندگان، مجلس می‌تواند به طور مخفی در باره برگزاری نشست غیرعلنی رای‌گیری کند و در صورت تصویب سه چهارم مجموع نمایندگان، جلسه غیرعلنی تشکیل می‌شود. گزارش و مصوبات این جلسات باید حداکثر تا پایان دوره قانون‌گذاری، برای اطلاع عموم منتشر شود».

اصل هفتاد و دوم و اصول ۹۱ تا ۹۹ که اعتبار مصوبات مجلس را منوط به تصویب شورای نگهبان می‌کنند، در قانون اساسی دموکراتیک، بسلاموضوع‌اند. در کشورهای دارای نظام سیاسی دموکراتیک و نیز در قانون اساسی ایران پیش از انقلاب، تشخیص مغایرت قوانین با قانون اساسی و نیز تفسیر قانون اساسی، بر عهده عالی‌ترین دادگاه کشور است که در ایران، دیوان عالی کشور این نقش را بر عهده داشت. هر شخص حقیقی یا حقوقی می‌تواند علیه هر مصوبه مجلس به دادگاه مفسر قانون اساسی شکایت کند، اما این شکایت قبل از صدور حکم موقت یا قطعی از سوی این دادگاه، نمی‌تواند اجرای قانون را متوقف سازد.

اصل هفتاد و ششم قانون اساسی کنونی مقرر می‌دارد مجلس حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارد. در سالهای اخیر بارها شاهد بوده‌ایم که اعوان و انصار ولایت فقیه کوشیده‌اند این اصل بسیار صریح و بدون قید و شرط را نقض کنند و مثلاً مانع تحقیق و تفحص

